

میدون و سوفیا

جند واژه نامانوس شناسایی شد!



پوریا عالمی

• یک عضو شورای نگهبان گفت: «در شورای نگهبان واژه‌ای به اسم درصلاحیت وجود ندارد».

واژه عباس کیارستمی

مثل زندگی ما، عباس کیارستمی به دلیل خطای پزشکی از دنیا رفت، اما در نظام پزشکی واژه‌ای به اسم خطای پزشکی وجود ندارد (بعضی از آنها اعتقاد دارند عمر دست خداست و دکترهای بی‌ملاحظه فقط وسیله هستند). درواقع آن‌طور که اساتید پافشاری کردند، ما فهمیدیم خطای پزشکی که هیچی، در کره زمین واژه‌ای به اسم عباس کیارستمی نداشته‌ایم.

واژه شغله

همین اتوبوسی هم که جوانان دانشجوی ما را به کشتن داد، به دلیل بی‌کیفیتی و بی‌استانداردی تولید خودرو در کشور یا به دلیل بی‌مسئولیتی راننده یا به دلیل ۶۰۰ شغله‌بودن رئیس دانشگاه آزاد چپ نکرده است، چراکه اصلا واژه‌ای به اسم ۶۰۰ شغله در سیستم وجود ندارد و به این چندشغله‌ها می‌گویند شیفتگان خدمت.

واژه استاندارد یا استاندارد؟

همچنین واژه‌ای به اسم استاندارد در خودروسازی کشور وجود ندارد. شما الان برو با یکی از این ماشین‌های سواری یا اتوبوس و مینی‌بوس موتناز داخل صحبت کن و بگو استاندارد؟ طرف موتورش گیرباز می‌کند و فکر می‌کند پرسیدی استاندارد؟ و بعد پاسخ می‌دهد ما ماشین هستیم و نمی‌توانیم مسئولیت داشته باشیم و فاقد احساس و منطق هستیم، برخلاف مسئولان ما که مثل ماشین عمل نمی‌کنند و به‌شدت دارای عقل و احساس هستند.



واژه آتش

یا همین مدرسه‌های کپری و درب‌دافغانی که هر چندوقت یک‌بار یکی‌شان آتش می‌گیرد، بارها وزیران مختلف گفته‌اند که اصلا در کشور وجود ندارند. ما تحقیق کردیم و دیدیم این مدارس را که آتش می‌گیرند مخالفان شبانه می‌آوردن وسط خاک ایران بساط می‌کنند و چندتا دانش‌آموز خارجی را هم می‌آوردن و می‌نشانند توی مدارس و فردا طوری صحنه‌سازی می‌کنند که انکار بچه‌های ما به دلیل بی‌بافتی مسئولان دوباره از بین رفته‌اند، درحالی‌که ما فریب آنها را خورده‌ایم.

واژه فریب

حالا که صحبت از فریب شد، همین‌جا جا دارد از آقای محسن رضایی هم یادی بکنیم که طوری دشمن را فریب می‌داد که قبل از دشمن، خود بچه‌ها و رزمنده‌های ما هم باور نمی‌کردند فریب است.

واژه ردصلاحیت

اما واقعا ما ردصلاحیت نداریم در کشور. بر اساس تجربه می‌گویم؛ مثلاً من به‌عنوان میدون دوم، هربار می‌روم خواستگاری سوفیا، بابای سوفیا ردصلاحیت نمی‌کنند، بلکه می‌فرستدم دنبال نخودسیاه، یک همچنین وضعی.

شرق روزنامه

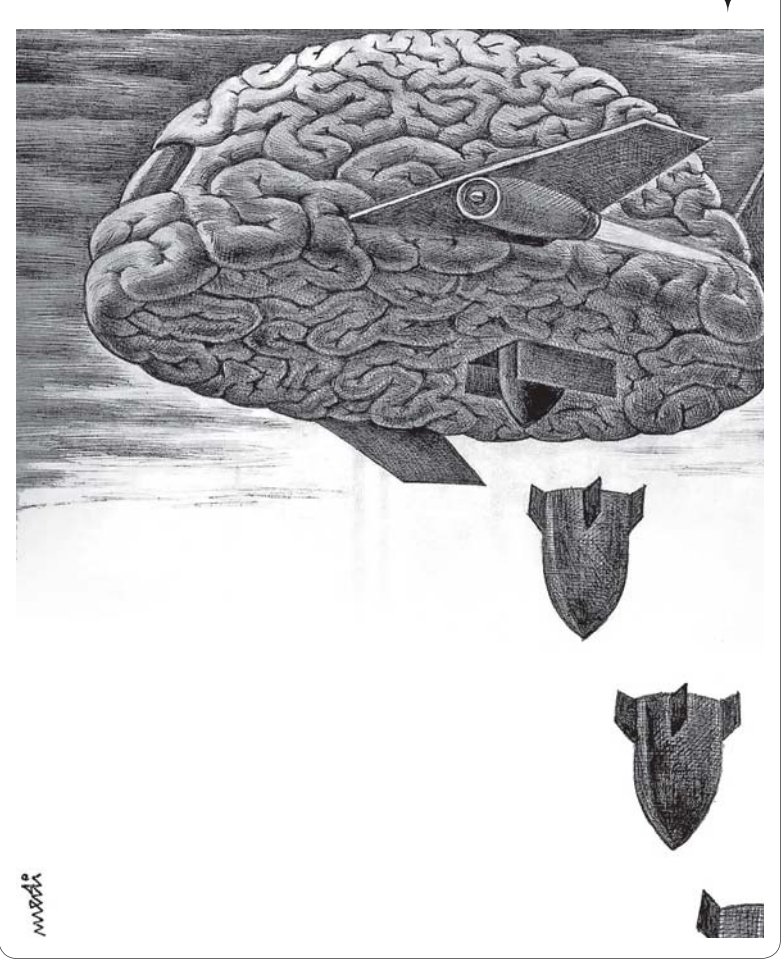
www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۰ دی ۱۳۹۷ • ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ • ۳۱ دسامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۳۰ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۷ • اذان مغرب ۱۷:۲۱ • اذان صبح فردا ۵:۴۴ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

روزانه‌فرا

کارتون خواب

مدی بلور تاجا



دور دنیا

فقط ۲ کودک مرده‌اند؟

جلوه داده است. بعضی از منتقدان او را «هیولا» نامیده و عده‌ای دیگر گفته‌اند سخنان او با موضعش دربارہ «حفاظت از زندگی انسان‌ها» متناقض است.

جلسی کلینتون، دختر بیل و هیلاری کلینتون، به نژادپرستی پنهان در اظهارات این نماینده جمهوری‌خواه تاخت و در پاسخ به او چنین تویییت نوشت: «شرم‌آور است. هیچ پدرومادری نمی‌توانند درباره بچه‌شان چنین چیزی بگویند، هیچ‌کس نباید درباره بچه دیگری به این شکل صحبت کند. «سوابق عالی» یعنی اینکه مرگی در کار نباشد. هیچ‌کس صدمه نبیند و هیچ کودکی در زندان نباشد. لطفا این وسط طوری سروصدا نژادپرستانه راه نیندازید که انگار دارید برای سگ‌ها سوت می‌زنید!». تویییت چلسی کلینتون نیز واکنش‌های بسیاری به‌همراه داشت. حتی در این میان عده‌ای از او درخواست کردند که حرفه سیاسی پدرومادرش را دنبال کند و کاندیدی آینده او را متهم کردند که یک خطر جدی را کم‌اهمیت



بابک زمانی

رئیس انجمن سکنه مغزی

چند روز بیشتر از افتتاح ایستگاه‌های دوچرخه اشتراکی در شهر تهران نمی‌گذرد؛ شروعی که گویا پایان یک دوره طولانی آماده‌سازی و برنامه‌ریزی بوده و حالا هم در واقع آغاز یک آغاز است. گسترش تدریجی‌ای قطعاً با گذشتش شبکه ایستگاه‌های این دوچرخه‌ها تا نزدیکی منزل، امکان استفاده کامل یا نسبی در سفرهای شهری از این دوچرخه‌ها بیشتر و بیشتر خواهد شد؛ هرچا می‌خواهید بروید و همان‌جا رهایش کنید. به‌علاوه استفاده از آخرین امکانات فناوری، دراختیارگرفتن دوچرخه را هرچه سریع‌تر می‌کند. «انجمن سکنه مغزی ایران» سال‌هاست درباره عوامل مستعدکننده سکنه مغزی، به‌ویژه دخیانیت و قلیان در فضاهای مختلف شهری هشدار می‌دهد. در اینجا هم به‌همین ترتیب لازم می‌دانیم از هر تلاشی برای کاهش دود و آلودگی و همچنین افزایش فعالیت

وقتی دوچرخه را از ایستگاه برمی‌دارید لازم نیست آن را به‌جای خودش یا ایستگاه دیگری در شهر برسانید؛ می‌توانید آن را قفل و هر جا رها کنید. این نوعی نوآوری

نگاه سبز

هنوز می‌توان به آینده امید داشت!



محمد درویش

کرتا تونبرگ، یک دختر دانش‌آموز سوئدی است که فقط ۱۵ سال دارد؛ اما با عملکرد درخشانش دنیا را تکان داده و به تفکر واداشته است. او می‌گوید: از سیاست ناامید است و مدتی طولانی است که به تنهایی برای حفاظت از زمین در برابر خطرات تغییر اقلیم تلاش می‌کند. ماه گذشته او خود را به کاتوویتس لهستان رساند تا در بیست‌وچهارمین کنفرانس اقلیمی شرکت کرده و صدای اعتراضش را رساتر به گوش رهبرانی برساند که خود را به خواب زده‌اند. کرتا به این خاطر مشهور شده که مدت‌هاست جمع‌هاه دیگر به مدرسه نمی‌رود، بلکه در برابر پارلمان سوئد به اعتراض می‌پردازد. او در لهستان بیش از همه از جوانان خواستار شد تا در راه مهار خطر تغییر اقلیم، منفعل و بی‌تفاوت عمل نکرده و صدایشان را بلند کنند؛ او اضافه کرده: ما باید درک کنیم که نسل‌های پیشین چه آشفتنگی و هرچ‌ومرجی ایجاد کرده‌اند که ما اکنون باید دوباره به آنها نظم دهیم و ناچاریم با آن زندگی کنیم. نسل جوان باید از همه امکانات موجود - چه رسانه‌های اجتماعی یا مستقیماً با اعتراض‌ها و اعتصاب‌های مدارس- برای آگاهی‌رسانی بیشتر در مورد خرابی‌هایی که بزرگ‌ترها به بار آورده‌اند، استفاده کند. به عقیده تونبرگ، در زمینه حفاظت از اقلیم به سیاست‌مداران اعتمادی نیست. این دانش‌آموز متقصد که صراحتاً در جریان کنفرانس اقلیمی تاسف‌خود را در برابر آنتونیو گوتشر دبیرکل سازمان ملل، اعلام کرد، می‌گوید: «حکومت‌گران در گذشته به ما بی‌اعتنا بوده‌اند و به این کار ادامه خواهند داد. رهبران و شخصیت‌های سیاسی برجسته که از شرکت در نشست اقلیمی طفره می‌روند، بسیار بی‌مسئولیت هستند». تونبرگ به خبرگزاری آسوشیت‌پرس گفته که تراسپ، رئیس‌جمهور آمریکا و کلاکا مرکل، نخست‌وزیر آلمان، با غیبت خود در جریان کاتوویتس آلودیت‌های خود را نشان داده‌اند. این دختر نوجوان تابستان گذشته از انفعال سیاست و سیاست‌بازها خسته شد و پس از تعطیلات تابستانی به مدرسه بازنگشت. درعوض با یک بنر اعتراض‌آمیز روبه‌روی پارلمان سوئد ایستاد. با این حرکت که او روزهای جمعه را به ناقرمائی مدنی در مواجهه با سیاست‌مداران طبیعت‌ستیز اختصاص داد، به‌تدریج دیگر دانش‌آموزان در سراسر دنیا نیز تشویق شده و به او پیوسته‌اند؛ به‌عنوان‌مثال، تنها در بیش از ۳۰ شهر استرالیا هفته گذشته هزاران دانش‌آموز برای مطالبه یک سیاست پایدار و خردمندانه برای حفاظت از زمین در برابر خطر تغییر اقلیم به خیابان آمدند.

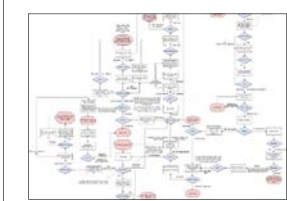
تا ۱۵ دسامبر نمایندگان حدود ۲۰۰ دولت درباره چگونگی به‌کارگیری مقررات تقویت‌کننده برای به‌اجراداشتن تعهدات پاریس، مذاکره کردند. در این میان واکنشان از شرکت‌کنندگان در کنفرانس خواسته تا دست به عمل برند. پیترو پارولین، نماینده پاپ می‌گوید: «این پرسش وجود دارد که آیا اراده سیاسی کافی برای به‌اجراگذاشتن هدف‌های اقلیمی وجود دارد یا خیر؟ تاکنون امضاکنندگان قرارداد پاریس کارهای عملی و امیدبخش اندکی را انجام داده‌اند».

خواننده عزیز روزنامه «شرق»!

شاید اگر سماجت، عشق و معصومیت گرتا و گرتاها نبود، نمایندگان ۲۰۰ کشور شرکت‌کننده در کاتوویتس، بدون هیچ توافق‌ی اجلاس را ترک می‌کردند. باید به نوجوانان و جوانان احترام گذاشته و اجازه دهیم تا در فرایند قدرت، عملاً مشارکت کنند. جامعه‌ای که به صدای شهروندان ۱۵ساله‌اش گوش کرده و آنها را به سخره نکیرد، آینده‌اش را نه‌فقط در برابر خطر تغییرات اقلیمی بلکه در مقابل هر نوع خطری که امنیت اجتماعی و ژنیایی‌اش را به خطر اندازد، تاب‌آورانه تضمین می‌کند.

پرنده آبی

آینه سیاه



سریال بلک میورو یا آینه سیاه در پنجمین فصل خود تجربه جدیدی را پیش‌روی علاقه‌مندانش قرار داده است و آن انتخاب سرنوشت شخصیت‌ها و پایان متفاوت است. بیننده‌های ایرانی در خارج از کشور تجربیات خود را از دیدن این فصل که توسط شرکت تنفلیکس تهیه شده در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته‌اند. پیش از این در برخی کتاب‌ها این تجربه تعاملی امتحان شده بود، اما این اولین‌بار است که امکان تجربه رویکرد تعاملی با یک سریال فراهم شده. در این قسمت جدید بیننده است که خط داستانی را کنترل می‌کند و به گزارش بی‌بی‌سی درواقع مانند یک بازی کامپیوتری می‌تواند بیش از یک تریلیون خط داستانی مختلف برای این سرال دید. این جزئیات به‌گونه‌ای است که می‌توان حتی تصمیم گرفت قهرمان داستان چه صحنه‌ای بخورد یا در اتوبوس به چه آهنگی گوش دهد. درحال‌حاضر امکان دانلود یک نسخه پنج، شش‌ساعته در اینترنت وجود دارد، اما اکثر بیننده‌های ایرانی آرزو کرده‌اند که امکان دیدن نسخه اصلی آن در تنفلیکس برایشان فراهم شود. این‌گونه آنها کارگردان، طراح صحنه و حتی تدوینگر اثر هستند. همه‌چیز به بیننده ربط دارد.

آکادمی

بی‌{دود}

فیزیکی شهروندان حمایت و کلیه شهروندان، به‌ویژه جوانان را به استفاده از این امکانات تشویق کنیم. به‌خصوص که احتمالاً زیر پوشش قرارگرفتن سایر مناطق شهر با این دوچرخه‌ها تحت تأثیر موفقیت و اقبال مردم به همین مراحل اولیه قرار دارد. بی‌تردید جلوگیری از سکنه مغزی و درمجموع «اترواسکلروز» بیش از آنکه به دستورات غلاظ و شداد به افراد محدود شود، به برنامه‌ریزی‌های شهری و اجتماعی مربوط می‌شود. این‌گونه اقدامات بسیار مفیدتر و واقعی‌ترند تا دستورات کلی‌ای که به افراد داده می‌شود و عموماً هم از انجام و هم از نتیجه آنها هیچ اطمینانی وجود ندارد.

انتقادهای بی‌شماری به نظام سلامت و درمان کشور بر زبان‌ها جاری است، اما در این زمینه مشخص، توپ سلامت در حیاط جامعه مدنی، از جمله همه مردم، هنرمندان، فرهیختگان و ورزشکاران افتاده است. آیا از پس آن سربلند بیرون خواهیم آمد یا مثل کمپین بی‌دودکردن رستوران‌هایمان این را هم دون شان خود خواهیم دانست که دوچرخه‌سوارشدنی را نشان دهیم و تبلیغی کنیم و عکسی بگیریم؟

یادداشت

نقدی بر مدیریت بحران کشته‌شدن دانشجویان



حسین امامی

مدرس دانشگاه

پیش از حضور آقای دکتر ولایتی به عنوان رئیس هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی و در زمان مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، در موافق بحرانی و حساس همه‌هاه عمدتاً به سمت دکتر جاسبی مدیریت وقت دانشگاه آزاد متمرکز می‌شد. البته صرفاً در ایام انتخابات و بهره‌برداری‌های سیاسی نیز انتقادات به دانشگاه آزاد که عمدتاً مباحث مربوط به شهریه بود دستاویزی شده بود برای نقد عملکرد دوران حضرت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی. اما تفاوت در دوره جدید آن است که آقای دکتر ولایتی بیشتر در امور اجرایی دانشگاه آزاد اسلامی ورود می‌کند و حضور پررنگ رسانه‌ای‌اش در این مدت هم، آسیب‌هایی را در جریان واژگونی اتوبوس دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران از سوی مردم و نگاه کاربران فضای مجازی متوجه ایشان کرد.

فالغ از صبح با غلبه‌بودن این نگاه، در این یادداشت نگاهی داریم به استراتژی‌های مورد استفاده دانشگاه آزاد در مواجهه با بحران واژگونی اتوبوس علوم و تحقیقات تهران که هم برند دانشگاه آزاد و هم تصویر دکتر ولایتی را در علوم و ماجرا حداقل در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مورد خدشه و نقد قرار داد. تحلیل این اقدامات و تصمیم‌گیری‌ها براساس نظریه وضعیتی ارتباطات بحران سنجیده می‌شود که توسط تیموتی کومیز نظریه‌پردازی شده است.

۱- **استراتژی نفی:** در اولین لحظات انتشار این خبر، شایعه سکنه راننده از سوی برخی از مسئولان مطرح شد که در اصل این بلاگردان‌کردن راننده بود که از این طریق خطا و اشکال فنی اتوبوس انکار و کتمان شد. در نهایت برخی از رسانه‌ها و افراد همسو در پی حمله به کسانی بودند که مدیران فعلی را مقصر نشان داده‌اند.

تحلیل: انتخاب این استراتژی براساس نظریه وضعیتی برای این نوع بحران اشتباه است چراکه این استراتژی صرفاً در مورد جنس شایعه و برخی چالش‌ها مؤثر واقع می‌شود. بنابراین فرار از مسئولیت و حمله به اتهام‌زن، راهبرد مطلوبی برای بحران نبود.

۲- **استراتژی توجیه:** در گام بعدی تعدادی از مدیران دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات برکنار شدند. در بیانیه کمیته ویژه پیگیری سانحه بر مقصر شناخته‌شدن پیمانکار تاکید شده است. از طرفی قصور و بی‌توجهی برخی از معاونان و مدیران واحد علوم و تحقیقات نسبت به نظرات بر برون‌سیاری و تأمین امنیت تردد دانشجویان و عدم احراز صلاحیت حرفه‌ای پیمانکار نیز علت برکناری و اخراج پنج نفر از مسئولان مرتبط با این حادثه بیان شد. جنس مطالبات، کلاه‌ها و شکایات مردم چه در فضای دانشگاه و چه در شبکه‌های اجتماعی به‌گونه‌ای بود که ضرورت داشت با خاطیان برخورد و از طرفی ناتوانی سیستم نیز برطرف شود. بنابراین علاوه‌بر برکناری تعدادی از مدیران، نسبت به اعلام سیستم فرسوده ناوگان حمل‌ونقل مطالبی اذعان شد.

تحلیل: این اقدام راهبرد مطلوبی برای مدیریت این بحران ارزیابی می‌شود ولی نکته قابل تأمل این است که مسئولان ارشد دانشگاه مسئولیت این بحران را برعهده نمی‌گیرند و یا برکناری تعدادی از مدیران و همچنین اعلام عدم احراز صلاحیت حرفه‌ای پیمانکار در پی کاهش مسئولیت خود و از طرفی ارجاع مشکلات فنی به طرف پیمانکار هستند. گویی که نقش تصمیم‌گیری انسانی در انتخاب پیمانکار یا کمترین قیمت در کمیسیون معاملات دانشگاه که طبیعتاً باید در رأس هرم مدیریتی واحد علوم و تحقیقات صورت بگیرد امر کم‌اهمیتی بوده است. این تمام اتفاقاتی است که در مدیریت بحران واژگونی اتوبوس علوم و تحقیقات شاهد آن بودیم. البته جا دارد در مدتی طولانی‌تر و گذشت زمان، نگاه دیگری به این مسئله انداخت و تحلیل مجددی روی آن صورت گیرد. اما آنچه لازم به گفتن است این است که همانند بسیاری از بحران‌ها در ایران استراتژی توجیه و کوچک‌نمایی بحران در دستور کار گرفت بدون کوچک‌ترین عذرخواهی (Excuse)، امری که در ایران مرسوم نیست؛ چه رسد به اینکه کسی مسئولیت کامل بحران را بپذیرد و پوزش (Apology) بخواهد.

بحران‌های ناشی از کوتاهی و عملکرد غلط سازمان احساس خشم و تفر در مردم ایجاد می‌کند. در این واقعه نیز این کوتاهی در قبال از دست‌رفتن جان ارزشمند تعدادی از دانش‌جویان صورت گرفته است. شهرت و اعتبار رئیس مؤسس و هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی در مرحله اول و سپس رئیس دانشگاه آزاد اسلامی و رئیس واحد علوم و تحقیقات تهران مورد تهدید قرار گرفت. در سطح بعدی تصویر و برند دانشگاه آزاد اسلامی این واحد از منظر پایین‌بودن حداقل امکانات تردد و حمل‌ونقل دانشجویان در قبال شهریه‌های کلان دانشگاه آسیب دید. بر این اساس ضرورت دارد اقدامی مؤثر و عاجل برای «ترمیم تصویر» افراد مطرح‌شده و همچنین واحد علوم و تحقیقات صورت پذیرد. بنابراین لازم است در تکمیل امور رابط‌عمومی و رسانه‌ای مدیریت بحران این موضوع، مطابق اصول ارتباطات بحران «استراتژی بازسازی» در دستور کار قرار گیرد. این راهبرد می‌تواند شامل دو اقدام باشد: ابتدا پوزش‌خواهی که مدیر بحران مسئولیت کامل را در قبال این حادثه تلخ بپذیرد و دوم راهکارهای جبرانی برای التیام درد بازماندگان از داغ زدست‌دادن این قربانیان که می‌تواند مواردی مانند اعلام پرداخت خسارت و به‌کارگیری سایر امکانات مادی و معنوی برای خانواده‌های غزدار باشد تا شاید مرهمی بر این زخم ابدی باشد و نزد افکار عمومی هم این سانحه جبران شود. در پایان جا دارد این مصیبت بزرگ را خدمت خانواده داغدار این دانشجویان عزیز تسلیت عرض کنم.